

کوردستان

ارگان حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۸۱۴ چهارشنبه ۱۵ دی ۱۴۰۰، ۵ ژانویه ۲۰۲۲

پیام تبریک مسئول اجرایی حزب دمکرات به مناسبت سال نو میلادی



متن پیام بدین شرح است:
پیام تبریک مصطفی هجری مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران به مناسبت سال نو میلادی
به مناسبت میلاد مضرت مسیح و عید سال نو میلادی، تبریک و تهنیت فود را به همه هموطنان مسیحی کوردستان، به ویژه مسیحیان ساکن کوردستان ایران عرض می‌نماییم. امیدواریم سال ۲۰۲۲ سالی لبریز از شادی، صلح و برادری برای همه باشد.

مسئول اجرایی حزب دمکرات کوردستان ایران
مصطفی هجری
۹ دیماه ۱۴۰۰ هجری شمسی
۳۰ دسامبر ۲۰۲۱ ی میلادی

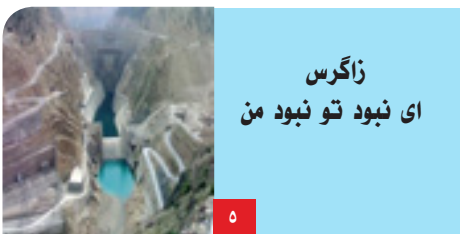
www.kurdistanmedia.com



مصاحبه با
ادریس احمدی،
فیلمساز کورد



گیسو چنند؟!



زاگرس
ای نبود تو نبود من



اهمیت اعدام برای
بقای رژیم اشغالگر
جمهوری اسلامی ایران

معلم در بند ستم

سخن

تکه قاسم

کریم پرویزی

قاسم کلمه‌ای عربی و به معنای کسی می‌آید که تقسیم می‌کند یا تقسیم کننده است. از معنی پیدا است قاسم کسی است که برای تفرقه افکندن گماشته شده و بگانه وظیفه خود را تجزیه کردن مداوم می‌داند.

خامنه‌ای برای قاسم یکی یه دونه‌اش دلی سیر گریست و جدیدا نیز دستور داده که هر کسی از بدی‌های او چیزی بگوید، اعدام شود. دردانه خامنه‌ای تحت عنوان حفاظت از حرم امامزاده‌ها، در منطقه خاورمیانه به دنبال اشاعه خشونت، تفرقه و کشتار بود.

قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس رژیم کولونیالیستی تهران بود که آقاایش او را اختصاصا برای انجام ترور و کشتار در بیرون از مرزهای ایران گماشته بود، اما بعضی مواقع نیز که سپاه پاسدران در سرکوبهای داخلی کم می‌آورد، قاسم و سپاه تروریستیش به ایران فراخوانده شده و وحشیانه در سرکوب مردم شرکت می‌کردند.

حضور نیروهای حزب الله لبنان در سرکوب اعتراضات تهران و دیگر کلانشهرهای ایران، شرکت میلیشیا‌های عراقی وابسته به رژیم ایران در سرکوب اعتراضات اهواز و همچنین طبق برخی از اخبار حضور قاسم سلیمانی در درگیری «کوسلان» علیه نیروهای پیشمرگ حزب دموکرات، چند نمونه‌ای هستند از دخالت‌ها و حضور گسترده او در سرکوب‌های سیستماتیک رژیم ایران.

قاسم که دو سال پیش و در سه ژانویه در فرودگاه بغداد تکه‌تکه شد، قبل از کشتنش کارش این بود با ایجاد تفرقه میان شیعیان عراقی گروه‌های جداگانده‌ای را سازماندهی کند و به جان هم بیاندازد، هر جا که می‌رفت کاری غیر از ایجاد تفرقه و کشتار نداشت، در سوریه نیز با جنایت‌اش روی «هیتلر» هم را

منشور حقوق بشر قابل قبول نیست و وظیفه آیینی همه آزادیخواهان و ملت کورد است که علیه این حکم تحمیلی و ناعادلانه بیاستند، چراکه امروز زهرا تنها شخصی نیست بلکه مادر و خواهر و دختر همه ملت کورد در کوردستان ایران است و شرف هر کوردی است که دشمن ملت کورد یعنی جمهور اسلامی دارد به آن تجاوز می‌کند! خواستاریم که در مقابل این حکم تحمیلی سکوت نکرده و با همه توان تلاش کنند که هرکدام زهرای برای کوردستان باشیم و از شرف و ناموس ملتمان دفاع کنیم. این مسئله واقعیتی را عیان می‌کند که رژیم ایران دشمن اصلی ملت کورد است و با همه توان خود تقلا می‌کند تا بلکه ملت کورد را از هویت خود دور و آسمیله کند؛ چراکه می‌داند «زبان» آن اسلحه قدرتمند است که مانع تحقق این توطئه شومشان می‌شود، می‌کوشد به هر طریقی که بوده آن را در دیدگاه آیین اسلام و پیمان نامه‌های

را تهدیدی جدی علیه خود قلمداد می‌کند. کسانی که در این سنگر مبارزاتی فعالیت دارند آن حافظان و پیشمرگانی هستند که شکوه زهرا و زبان ملت خود را زنده نگه می‌دارند. بازداشت و زندانی کردن فعالان این حوزه بخشی است از تراژدی‌های که بر ملت کورد یا دیگر ملتها ایران روا داشته شده و با اندک تاملی در خواهیم یافت که هیچی از یک جنوساید یا تلاش برای قتل عام فیزیکی یک فرد کورد، کم ندارد!

نهایتا مسئله بازداشت و تحمیل حکم علیه زهرا که پژواک و واکنشات گوناگونی را در پی خود آورد، همچون بیانیه اتحادیه علمای آیینی کوردستان ایران که به روشنی آمده: زهرا محمدی این دختر دلسوز و شجاع فقط به اتهام تدریس زبان کوردی به ۵ سال زندان محکوم شده است. این ستم ضد انسانی به هیچ وجه از دیدگاه آیین اسلام و پیمان نامه‌های

زبان و فرهنگ ملت‌های غیر فارس بنیان نهاده شده و هر گونه تلاشی برای زنده نگه‌داشتن زبان و فرهنگ ملت‌های تحت ستم را به مثابه فرو ریختن حاکمیت خود دانسته و به همین دلیل است که زهرا‌ها و مؤگان‌ها و محمود‌ها و ده‌ها و صد‌های دیگر که به دنبال حفظ زبان مادریشان هستند، برای رژیم ایران به عنوان دشمن می‌بینند. دشمنی که برای آگاه ساختن کودکان سرزمین زاگروس می‌جنگد، دشمنی که هدفی جز احیای فرهنگ همزیستی، تحمل دیدگاه‌های متفاوت و تنوعات را ندارد.

حاکمیت کلونیالیستی از دست روشنفکران ملت کورد به خشم آمده چرا که فعالین زبان و فرهنگ ملی کورد، تکلم و نوشتن به زبان مادری را حق طبیعی خود دانسته و زبان را به عنوان ستون اصلی هویت و معرف موجودیت خود می‌دانند. علت فویبای رژیم ایران نیز همین است و این اقدامات

فرهنگی کورد اهل روستای پلگرد از توابع هزار مسجد شهر کلات نادری در استان خراسان رضوی که او نیز همچون معلمی برای زبان کوردی فعال بود و هم اکنون زیر شکنجه و در زندان‌های جمهوری اسلامی بخشی از عمر گرانبهای خود را سپرده بلکه خدمتی به کورد و زبان کوردی کرده باشند. سوال اصلی که بایستی در این میان به آن بپردازیم در حقیقت این است که چه چیزی جمهوری اسلامی را وادار به چنین اعمال درندانه‌ای علیه کسانی که نه از طریق خشونت آمیز بلکه به دلیل آموزش زبان کوردی و تلاش برای حفظ هویت ملی خود مبارزه کرده این چنین مورد خشم و نفرت رژیم ایران قرار گرفته و با احکامی ناروا زندانی شوند؟

در حاکمیت کلونیالیستی همچون جمهوری اسلامی سیاست اصلی، شامل انکار ملتها و حذف تنوعات، همین است که حاکمیت در ایران بر اساس آسمیله‌کردن

مورخ ۱۲ دی ماه خبر تایید نهایی حکم ظالمانه ۵ سال زندان تعزیری زهرا محمدی فعال فرهنگی کورد، در فضای مجازی پیچید و دوستداران زبان و هویت ملی کورد ضمن ابراز نگرانی و اندوه خود نسبت به تحمیل این چنین حکمی، به شیوه‌های مختلف مخالفت خود را ابراز و حمایت بی‌دریغشان را از زهرا محمدی اعلام کردند که بدون هیچ جرمی ناعادلانه زندانی می‌شود. واضح است که اولین بار نیست که این چنین حکمی علیه فعالان کورد صادر می‌شود و همزمان با مسئله زهرا محمدی هستند کسانی دیگر که در همین حوزه فعالیت دارند و حاکمیت کلونیالیستی تهران آن‌ها را تهدیدی علیه حاکمیت سیاسی خود می‌داند! کسانی همچون مؤگان کاوسی محقق، مترجم، نوازنده و فعال فرهنگی کورد از اهالی کلاردشت مازندران که معلم زبان کوردی برای کودکان منطقه خود بود و محمود نیرومند فعال

سازمان ملل اعدام مخفیانه حیدر قربانی را محکوم کرد



کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل طی بیانیه‌ای اعدام مخفیانه «حیدر قربانی»، زندانی سیاسی کورد را به عنوان نقض جدی تعهدات رژیم ایران به قوانین بین‌المللی حقوق بشر دانسته و این اقدام رژیم ایران را به شدت محکوم کرد.

کارشناسان حقوق بشر سازمان ملل در بیانیه‌ای که چهارشنبه ۱ دی ۱۴۰۰، منتشرشده، گفته‌اند: جمهوری اسلامی ایران «حیدر قربانی» را در طی یک روند بسیار ناقص و در حالی که پرونده او هنوز در دیوان عالی ایران در دست بررسی بود، به‌طور

مخفیانه اعدام کرد. در بیانیه آمده: در شرایط تداوم اعتراضات و نارضایتی‌های گسترده از مسئولان جمهوری اسلامی، ما نگران آن هستیم که چنین اعدام خودسرانه‌ای برای ایجاد رعب و وحشت صورت گرفته باشد.

کارشناسان حقوق بشری سازمان ملل گفتند: ما عمیقاً متأسفیم که به‌رغم مداخله‌های متعددمان در پرونده آقای «قربانی»، مقامات جمهوری اسلامی تصمیم گرفتند حکم اعدام او را به اجرا بگذارند. این اقدام نشانه دیگری از بی‌توجهی آشکار به تعهدات آن‌ها به قوانین و سازوکارهای

بین‌المللی حقوق بشر است. ما از دولت ایران می‌خواهیم که اعمال و اجرای مجازات اعدام را متوقف کند.

کارشناسان همچنین افزوده‌اند که پیش از این نگرانی‌های خود را در مورد حکم اعدام، شکنجه و نقض دادرسی عادلانه «حیدر قربانی» را با دولت جمهوری اسلامی ایران در میان گذاشته و نگرانی‌های خود را به صورت علنی مطرح کرده بودند.

عفو بین‌الملل نیز در بیانیه‌ای گفته بود که جریان دادرسی حیدر قربانی به‌شدت غیرمنصفانه بوده است.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال اعدام «حیدر قربانی» را محکوم کرد



جمهوری اسلامی در واقع نهاد قانون و دادگاه را به بخشی از ماشین سرکوب خود بر علیه مردم ایران تبدیل نموده است.

رفتار ظالمانه جمهوری اسلامی ایران علیه مردم ایران بویژه احاد ملیت‌های ایرانی حق دفاع از خود و موجودیت خویش را مشروعیت بارزتری می‌بخشد کنگره ملیت‌های ایران فدرال ضمن عرض تسلیت به خانواده محترم و هم‌زمان حیدر قربانی باری دیگر اعدام ایشان را اقدامی خلاف تمامی موازین حقوق بشری دانسته و آن را شدیداً محکوم می‌نماید.

کنگره ملیت‌های ایران فدرال

برون رفت جامعه از این بحران‌ها ندارند؛ بر این توهم اند که تنها با زهر چشم گرفتن از فعالان سیاسی و زندانیان سیاسی و تداوم سرکوب ملیت‌ها می‌توانند جلو فوران اعتراضات سیاسی اجتماعی را گرفته و چند صباحی دیگر به حاکمیت نامشروعشان ادامه دهند. اعدام یکی دیگر از فعالین سیاسی، تأیید کننده این واقعیت است که کلیت نظام جمهوری اسلامی بدون هیچ اغماضی در سرکوب، و اعدام و شکنجه مردم بویژه ملیت‌های ایران، هیچ تردیدی به خود راه نداده و درچند سال گذشته شدت بیشتری نیز به خود گرفته است. رژیم تروریستی

کنگره ملیت‌های ایران فدرال طی اطلاعیه‌ای اعدام «حیدر قربانی» توسط رژیم ایران را شدیداً محکوم و این اقدام دستگاه قضایی ایران را خلاف تمامی موازین حقوق بشری دانست.

متن اطلاعیه به شرح زیر است:

هموطنان گرامی!

همچنان که مستحضرد، دستگاه قضایی رژیم جمهوری اسلامی ایران در شامگاه روز یکشنبه به تاریخ ۲۸ آذر ۱۴۰۰ فعال سیاسی کورد، حیدر قربانی اهل شهرستان کامیاران را بصورت مخفیانه در زندان «سنه» اعدام نمود. رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی دست به این جنایت می‌زند که جامعه با بحران‌های اقتصادی - سیاسی - اجتماعی لاینحلی دست به گریبان است؛ علاوه بر آن بحران کرونا روزانه جان ده‌ها تن از مردم را می‌گیرد؛ و زندگی میلیون‌ها تن را تهدید می‌کند. جنایتکاران حاکم که هیچ راه حلی برای

نبود امکانات ورزشی برای حدود ۳ هزار ورزشکار «آبدانانی»



تبعیضات و ستمی که رژیم ایران به جامعه ورزشی این شهرستان کرده نارضایتی خود را اعلام و به مسئولان رژیم هشدار داده بودند. شهرستان «آبدانان» از جمله شهرستان‌های غنی استان ایلام از لحاظ منابع زیر زمینی است که پتانسیل‌های فوق‌العاده‌ای در زمینه‌های مختلف دارد.

رژیم ایران با فقر تحمیلی بر مردم استان ایلام و این شهرستان تمام تلاش خود را برای کوچ مردم به شهرهای مرکزی ایران و به تاراج بردن ثروت و سامان این مردم را دارد.

این شهرستان در یک سالن تمرین می‌کنند که این سالن در ابتدا به خاطر کرونا و بعد هم برای واکسینه شدن مردم در اختیار شبکه بهداشت رژیم قرار گرفته و ما ورزشکاران دوسالی است که از تمرین محروم هستیم. نامبرده گفته است، چندین بار مشکلات جامعه ورزشی شهرستان را به مسئولان گفته‌ایم اما علی‌رغم وعده‌های داده شده هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌ایم. فوتبال‌یست‌های این شهرستان نیز با مشکلات متعددی از این قبیل مواجه هستند و بارها نسبت به

شهرستان «آبدانان» در استان ایلام با داشتن ۲۵ هیات ورزشی و ۲۷۰۰ ورزشکار سازمان یافته سالیان درازی است با مشکلاتی فراوانی روبرو است.

سالن‌های ورزشی فاقد «نور دهی استاندارد، سیستم گرمایشی و سرمایشی مناسب و نداشتن وسیله نقلیه برای شرکت در مسابقات استانی و کشوری» از جمله مشکلات جامعه ورزشی این شهرستان است.

«سید رحمان شفیعی» رئیس هیات بوکس «آبدانان» گفته است، که این شهرستان ظرفیت بسیار بالایی در ورزش دارد ولی نبود امکانات باعث می‌شود این استعدادها شکوفا نشوند و در تمام رشته‌های ورزشی شاهد مرگ ورزشی هستیم.

نامبرده وعده‌های مسئولان رژیم در رابطه با تأمین امکانات و رفع مشکلات را تو خالی خواند.

«چنگیز چیدان» رئیس هیات ورزشی وشو و کیک بوکس «آبدانان» نیز گفته است، ۸۰ درصد رشته‌های ورزشی رزمی

بهروز بوچانی: سالیاد کشتن «قاسم سلیمانی» از معدود یادبودهایی است که موجب شادی می‌شود



«قاسم سلیمانی» نباشد؛ از کشتن کسی لذت نمی‌برد. «بوچانی»، در توییت خود به نقش تروریست «سلیمانی» اشاره کرده که هم‌زمان نماد دو ایدئولوژی ویرانگر «شیعه‌گری امام الزمانی» و «ملی‌گرایی ایران‌شهری» بود. هم یادآور خشونت علی بود و هم ارضا کننده نوستالوژی توهمی ملی‌گرایان کوروش پرست.

«بهروز بوچانی»، نویسنده و فعال نامی کورد، با توییتی در سالیاد کشتن «قاسم سلیمانی» فرمانده سابق سپاه قدس رژیم ایران نوشته است: «کشته شدن «سلیمانی» از آن اتفاقاتی است که می‌توان برای سال‌ها از مرورش لذت برد». نوشته کوتاه «بوچانی» حاکی از آن است که هیچ انسان آزاده‌ای به جز کشتن تروریستی همچون

سرگاه جمعه ۱۳ دی ۱۳۹۸، «قاسم سلیمانی»، فرمانده نیروی قدس سپاه تروریست پاسداران رژیم ایران به همراه «ابومهدی مهندس» از رهبران حشدالشعبی عراق و چند تن دیگر از رهبران حشدالشعبی و حزب الله لبنان در جریان حمله هوایی آمریکا و به دستور مستقیم «دونالد ترامپ» رئیس جمهور پیشین این کشور، در فرودگاه بغداد کشته شدند.

«پیرانشهر» دارای کمترین سرانه فضای آموزشی در ایران است

مترمربع است. به گفته بسیاری از کارشناسان، سران رژیم با عدم اختصاص بودجه کافی برای ساخت و مرمت مدارس کوردستان، بلوچستان و برخی از نقاط دیگر ایران درصدد هستند تا بلکه دانش‌آموزان این مناطق زیر فشار کمی امکانات، ترک تحصیل و نتیجتاً این جوامع از پیشرفت باز بمانند.

ایران برای هر دانش‌آموز ۵.۲۱ متر مربع است. پیشتر «مهرالله رخشانی مهر»، گفته بود ۱۰ استان ایران کمتر از میانگین کشور، فضای آموزشی دارند. «رخشانی مهر» همچنین گفته است که سرانه استاندارد فضای دانش‌آموزی کشور طبق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ۸.۳۹

به گزارش یکی از خبرگزاری‌های وابسته به رژیم ایران، سرانه فضای آموزشی شهرستان پیرانشهر کمتر از یک متر است. سرانه آموزشی هر دانش‌آموز در پیرانشهر حتی به یک متر هم نمی‌رسد، در حالی که به گفته معاون وزیر آموزش و پرورش و رئیس سازمان نوسازی مدارس ایران، میانگین فضای آموزشی

برداشت شن و ماسه رودخانه «جغتو» توسط عوامل رژیم در بوکان



می‌زنند. اخبار رسیده حاکی از آن است که این عوامل رژیم در مقابل فعالین زیست محیطی و مردم منطقه ایستاده و گفته‌اند شما نخواهید توانست کوچکترین مانعی برای ما ایجاد کنید. با وجود دخالت مردم، اما سودجویان و عوامل رژیم هیچ توجه‌ای به خواست آن‌ها نکردند و مردم منطقه هم هشدار دادند که مجبورمان نکنید که دست به اقدامی جدی بزنیم.

پاسداران با برداشت بی رویه شن و ماسه‌های این رودخانه، هم خسارات جبران ناپذیری به محیط زیست این منطقه زده و هم با تاراج این ثروت سود کلانی را به جیب

بر اساس اخبار رسیده به ویسایت «کوردستان میدیا»، افراد وابسته به رژیم در «قازالی» از توابع بوکان در رودخانه «جغتو» واقع شده، با حمایت سپاه تروریست

رژیم ایران سالانه بیش از ۱۷ و نیم میلیون تن مواد معدنی از استان «ارومیه» استخراج می‌کند



حجم سرمایه گذاری بیش از ۶۰۹ میلیارد و ۳۵۵ میلیون ریال در حال فعالیت هستند. رژیم جمهوری اسلامی ایران علاوه بر تخریب محیط زیست، منابع و معادن کوردستان را به تاراج برده و سرمایه ملت کورد را در پیشبرد اهداف ایدئولوژیک خود منطقه هزینه می‌کند.

از ۱۷ میلیون و ۵۵۳ هزار تن و ذخیره قطعی یک میلیارد و ۱۴۲ میلیون تن انواع مواد معدنی در استان «ارومیه» وجود دارد. در استان «ارومیه» ۲۱۸ محدوده اکتشافی دارای پروانه اکتشاف و ۶۲ معدن دارای گواهی کشف با ذخیره قطعی بیش از ۲۶ میلیون و ۸۷۹ هزار تن انواع مواد معدنی با

معاون امورمعادن و صنایع معدنی سازمان صنعت، معدن و تجارت رژیم در استان «ارومیه» از صدور ۲۹ فقره پروانه بهره برداری در معادن این استان طی ۸ ماهه نخست سال جاری خبر داده است. این مسئول رژیم در «ارومیه» گفته است، در مدت زمان یاد شده برای ۳۲ محدوده معدنی جدید پروانه اکتشاف صادر کرده و ۱۵ فقره گواهی کشف نیز با حجم سرمایه گذاری بیش از ۶۱ میلیارد و ۷۳۳ میلیون ریال صادر کرده است.

«عابد پور» در مورد ظرفیت استخراج و ذخیره معادن استان گفته است، در حال حاضر ۵۰۷ معدن دارای پروانه بهره برداری با ظرفیت استخراج سالانه بیش

پادشاهی سعودی: تروریست «حسن نصرالله» در سرکوب و کشتار کوردهای ایران نقش داشته است

الله لبنان در سرکوب و کشتار ملت کورد در اوایل انقلاب به تاراج رفته نقش داشته است.

«بن عبدالعزیز»، در توییت خود، جبهه ترور و آزادی‌خواهان را در مقابل هم قرار داده و نوشت: «حسن نصر الله» تروریست برای کشتار کوردها از هم کیش خود «خمینی» حمایت و علیه کوردها جنگیده است.

«حسن نصر الله» خود را پیرو مکتب «خمینی» دانسته و به صراحت در سومین سالروز تأسیس شبکه تلویزیونی «المنار» گفت، «خمینی امت اسلام را زنده نگه داشته است.»

پیشتر نیز «حسن نصر الله» گفته بود که رژیم ایران با حمایت بی دریغ «مالی، نظامی و معنوی» خود از حزب الله دفاع می‌کند.



در خیابان‌های کوردستان است، نوشت: «تروریست‌ها همواره یکدیگر را حمایت می‌کنند.» از «حسن نصرالله» دبیرکل حزب الله لبنان که مسلح و

«ملک سلمان بن عبدالعزیز»، پادشاه عربستان سعودی در توییتی با گذاشتن عکسی از «حسن نصرالله» دبیرکل حزب الله لبنان که مسلح و

شهرهای کوردستان و ایران با نبود پزشک متخصص روبه‌رو هستند



در بیشتر شهرهای کوردستان و برخی از شهرهای ایران نبود پزشک و به ویژه پزشک متخصص مردم را با مشکلات زیادی روبه‌رو کرده است. رژیم ایران بیش از ۸۸ درصد پزشکان متخصص را در تهران و شهرهای بزرگ که پنجاه درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند مشغول به کار کرده است و برای پنجاه درصد دیگر جمعیت تنها ۱۲ درصد پزشک متخصص تعیین کرده است.

بر اساس قوانین رژیم ایران باید ۳۰ درصد پزشکان متخصص پس از اخذ مدرک پزشکی به مدت ۸ سال در مناطق محروم کار کنند، اما طبق اطلاعیه‌های سازمان نظام پزشکی رژیم بی عدالتی در نحوه انجام این قانون نیز وجود دارد.

بر اساس گزارش شورای عالی فرهنگی رژیم ایران، در مناطق محروم برای هر ۱۰۰ هزار نفر ۲۸ پزشک متخصص وجود دارد که بسیار پایین‌تر از میانگین جهانی است.

از طرفی به نام نماینده مردم شهرستان «بروجرد» دراستان لورستان در گفتگو با یکی از وبسایت‌های رژیم گفته است، ما در بخش زنان با نبود پزشک متخصص بیهوشی در اتاق عمل مواجه‌ایم. همچنین پزشک متخصص بیماری‌های عفونی و متخصص کودکان نیز خیلی کم داریم. کمبود پزشک و خدمات پزشکی در بسیاری از موارد نارضایتی مردم را به دنبال داشته است. در آخرین نمونه روز شنبه ۲۷ آذر ماه هموطنان به همین دلیل در بیمارستان «سینا» در شهر «کامیران» استان سمنان نارضایتی خود را اعلام کرده بودند.

بر اساس آمارهای سازمان نظام پزشکی رژیم ایران، سالانه ۸۹۹ پزشک متخصص از این کشور مهاجرت می‌کنند و نزدیک به ۸۰ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه علوم پزشکی در زمینه تخصص در تلاشند برای بهبود وضعیت معیشت خود کار در شهرهای بزرگ را انتخاب کنند. اقتصاد نابسامان رژیم ایران مهمترین دلیل مهاجرت پزشکان به کشورهای دیگر است. همچنین نبود خدمات پزشکی در استان‌های کوردستان دلیل روی آوردن پزشکان این منطقه به شهرهای بزرگ مانند تهران، اصفهان و سایر است.

ادامه سخن

سفید کرد! به دنبال تکه تکه شدن قاسم توسط راکت آمریکایی، این طور به نظر می‌رسد که نقش تقسیم کاری «قاسم» سلیمانی تمامی ندارد!

بعد از گذشت دو سال از آرامشی که منطقه در نتیجه کشته شدن بزرگ تروریستی همچون تکه قاسم، به خود دید؛ می‌بینیم که تکه‌هایش از لحاظ روانی همچنان تاثیر گذار و دیدیم که بعضی شخصیت‌های به اصطلاح سیاسی چگونه از تکه قاسم یاد می‌کنند و او را ناجی خطاب کرده لفظی سنگین که تاریخ هم توان حملش را نخواهد داشت! این اشخاص با این چنین تعریف و تمجیداتی، همان راه قاسم سلیمانی را ادامه می‌دهند که در حقیقت ایجاد تفرقه و شکاف است میان مردم به منظور به جان هم انداختنشان!

قاسم سلیمانی هیچ کاری در راستای خدمت به مردم نکرده بود تا مردم دلی خوش از آن داشته باشند، و به حد اعلا در ایران، عراق، سوریه، لبنان و یمن جنایت کرد و هر گونه تمجیدی از او، به مثابه نمک پاشیدن به زخم ده‌ها و صدها هزار انسان است. به نیکی یادکردن از قاسم سلیمانی موجب عودکردن دوباره همه درد و رنج‌ها می‌شود برای صدها هزار آواره و خانواده کشته‌شدگان سوریه‌ای. چنین یادکردنی هزاران نفر در کوردستان را دل زخمین کرده و خشم مردم نسبت به کسانی که از تروریست سلیمانی به نیکی یاد می‌کنند، افزون و شعله‌ور خواهد شد.

قاسم سلیمانی فقط برای خامنه‌ای منفعت داشت چراکه هر دو بیمارانی روانی بودند که عاشق تفرقه و خونریزی بودند و خامنه‌ای معتقد بوده و هست که تنها با جنگ و آشوب، می‌تواند حاکمیت خود را تداوم ببخشد اما برای مردم منطقه و حتی برای مردم ایران و برای فارس‌ها در ایران نیز سمبل ویرانگری و ترور و کشتار بوده است. هیچ وجدانه آزادهای، ذره‌ای هم دلش به یاد قاسم سلیمانی نمی‌زند و این رژیم ایران است که تقلا می‌کند بلکه بتواند از این جانی تاریخ، قهرمانی دروغین برای خود بسازد.

اهمیت اعدام برای بقای رژیم اشغالگر جمهوری اسلامی ایران

فرید لطیفی

اعدام کیفری است که سدها پیش انسان برای مقابله با مجرمان و ارتکاب جرم و با هدف اجرای عدالت اختیار کرده است. شاید تصور بر آن بوده که هر چه مجازات شدیدتر، زمینه تحقق عدالت بیشتر و هر چه جرم بزرگ‌تر، مجازات باید شدیدتر باشد.

در واقع اعدام نوعی کیفر و مجازات و به عبارتی دیگر اشد مجازات برای محکوم است. این کیفر یکی از موارد پیش بینی شده در قانون برخی کشورهاست که در آن به حکم قانون و بر اساس حکم دادگاه -عمومی، جنایی، نظامی و غیره- زندگی یک انسان سلب می‌گردد.

تاریخچه اعدام

اعدام که در تاریخ حقوق کیفری سنگین‌ترین مجازات بشری به شمار می‌رود از دیرباز در جوامع و ملتها جهت برخورد با ناقضان قانون خود وجود داشته است. اولین سند تدوین‌شده رسمی به جا مانده به چندین قرن قبل از میلاد مسیح

قطعه‌نامه‌های سازمان ملل متحد برای توقف مجازات اعدام به عنوان اولین قدم برای لغو کامل آن، اولین بار در سال ۲۰۰۷ و

باره جنبه‌های غیر انسانی اعدام می‌گویند وقتی متهمی محکوم به اعدام می‌شود، تمام لحظه‌های عمر او در انتظار اجرای حکم و

- تزریق سم از طریق آمپول (چین، ایالات متحده، گواتمالا، تایلند) - تیرباران (بلاروس، سومالی، چین، ویتنام)

سال است هیچ موفقیتی نصیبش نگردید است این در حالی است واژه تجزیه طلبی از فاشیسمی پان ایرانیسم

اعدام که در تاریخ حقوق کیفری سنگین‌ترین مجازات بشری به شمار می‌رود از دیرباز در جوامع و ملتها جهت برخورد با ناقضان قانون خود وجود داشته است. اولین سند تدوین‌شده رسمی به جا مانده به چندین قرن قبل از میلاد مسیح و حکومت حمورابی، شاه بابل بازمی‌گردد که در آن مجازات ۲۵ جنایت، اعدام پیش‌بینی شده است.

و حکومت حمورابی ، شاه بابل بازمی‌گردد که در آن مجازات ۲۵ جنایت، اعدام پیش‌بینی شده است. در یونان باستان نیز از مجازات اعدام جهت مجازات جرائمی چون قتل، خیانت و تجاوز و تحت قوانین دراکو به طور گسترده استفاده می‌شد اگر چه افلاطون معتقد بود اعدام تنها باید در مواردی اعمال شود که مجرم اصلاح‌ناپذیر

دومین بار سال ۲۰۰۸ در مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید. دبیرکل سازمان ملل نیز در سال های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ طی گزارشی آخرین تحولات مربوط به توقف و لغو اعدام در کشورهای مختلف را به مجمع عمومی ارائه کرد. در این قطعه‌نامه‌ها ضمن تاکید بر توقف مجازات اعدام، گفته شده مجرم، به اعتبار انسان

مرگ می‌گذرد. فرد نه تنها به مجازاتی جسمی ناعادلانه و رفتاری غیر انسانی محکوم می‌شود، بلکه گذراندن دوران انتظار اجرای حکم، بزرگ‌ترین فرسایش و شکنجه روحی و روانی است. اغلب این محکومان در شرایط به مراتب بدتر و ناگوارتر از سایر زندانیان نگه داری می‌شوند.

- سنگسار ، اعدام اسلامی (ایران، افغانستان)

اعدام در ایران

از صد ساله گذشته تا به امروز طبق آمارهای فعالین حقوق بشر علل خصوص حوزه اعدام در ایران ، قریب به چهل درصد اعدام‌ها در ایران مربوط به سیاسیون مخالف حکومت است که در این زمینه

سرچشمه میگیرد و در علم سیاست موضوعی به اسم تجزیه طلبی وجود خارجی ندارد بلکه برای تعریف خواست جدایی ملتی از ملت دیگر یا اتنیکی از یک جغرافیای سیاسی مشخص ، از واژه سیاسی استقلال طلب استفاده شده‌است. حکومت های اشغالگر ایرانی از ۱۰۰ ساله گذشته تا بحال بجای پاسخ به خواسته‌های

واهی به کشتار و قتل عام کاسبکاران و مردم زحمت کش که هیچ راه دیگری برای امرار معاش خویش ندارند ، میپردازد.

طبق امار گردآوری شده توسط کولبر نیوز در ده سال گذشته جمعا ۱۶۰۸ کولبر در مناطق مختلف کوردستان کشته و زخمی شده‌اند ، این امار اوج جنایات و همچنین قتل عام سیستماتیک جمهوری

از صد ساله گذشته تا به امروز طبق آمارهای فعالین حقوق بشر علل خصوص حوزه اعدام در ایران ، قریب به چهل درصد اعدام‌ها در ایران مربوط به سیاسیون مخالف حکومت است که در این زمینه ملت کورد با ۵۵٪، ملت بلوچ با ۲۵٪ و ملت عرب با ۱۳٪ اعدام‌های سیاسی ایران را شامل میشوند که نشان از تبعیض ملی در جغرافیای سیاسی موسوم به کشور ایران علیه این ملت ها است.

بودن، دارای حق حیات و بسیاری حقوق دیگر است و قانونگذار و سیستم قانونگذاری، حق سلب این حقوق را از فرد به صرف مجرم بودن و ارتکاب جرم ندارد. دومین پروتکل الحاقی به میثاق بین المللی حقوق سیاسی اجتماعی دوباره لغو مجازات اعدام نیز سال ۱۹۸۹ به تصویب مجمع عمومی رسید.

سازمان‌های فعال در این زمینه در

شیوه‌های اجرای اعدام

در سیستم قانونگذاری هر یک از کشورهای مجری اعدام، بنا به پیشینه، سنت‌ها و مبانی قانونی، روشی برای اجرای حکم پیش بینی شده است.

- قطع سر (عربستان سعودی) - صندلی برقی (ایالات متحده) - دارزدن (ایران، عراق، مصر، ژاپن، اردن، پاکستان، سنگاپور)

ملت کورد با ۵۵٪، ملت بلوچ با ۲۵٪ و ملت عرب با ۱۳٪ اعدام‌های سیاسی ایران را شامل میشوند که نشان از تبعیض ملی در جغرافیای سیاسی موسوم به کشور ایران علیه این ملت‌ها است ایران با اعدام مخالفین سیاسی خود قصد از بین‌بردن جنبش‌های ملی دمکراتیک این ملیتها تحت عنوان مبارزه با تجزیه طلبی را دارد که در این زمینه قریب به صد

کاملا دمکراتیک ملل موجود در ایران از این نوع سیستم سرکوب جهت نسل کشی و از بین بردن خواسته‌های بر حق انان استفاده کرده‌اند.

متأسفانه در چند روز گذشته شاهد اعدام یک زندانی سیاسی دیگر در کوردستان بوده‌ایم که یک پیام واضح سیاسی برای ملت کورد بود ، جمهوری اسلامی ایران با اعدام حیدر قربانی باردیگر ثابت

اسلامی ایران در کوردستان را به شفافی نشان می دهد. کشتار کولبران را میتوان به عنوان اعدام به شکل تیرباران کردن توصیف کرد.

این نوع کشتار و قتل عام جمهوری اسلامی ایران شاید برای مدت کوتاهی بقای عمر رژیم بیافزاید اما در آینده نزدیک یکی از پایه‌های اصلی فروپاشی این نظام میلی مذهبی ایرانی خواهد بود.

زاگرس ای نبود تو نبود من

هانشت حیدری

این مطلب به منظور پاسخ به سوال هایی در رابطه با هدف و افزایش روند سد سازی رژیم ایران در زاگروس نوشته شده است.

بر اساس تحقیقات کارشناسان، سد سازی آسیب و خسارت‌های فراوانی به محیط زیست می‌رساند که می‌توان خسارت‌های وارده به کوه‌ها، کوه‌پایه‌ها، جنگل‌ها، دشت‌ها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها و نیز افزایش وسعت بیابان‌ها را نام برد. سالانه میلیاردها لیتر آب پشت سدهای کشورها به بخار تبدیل می‌شود. سدها تهدید جدی بر اکوسیستم و به ویژه تالاب‌ها به حساب می‌آیند. اگر سد سازی بر اساس تحقیقات زمین شناسی انجام نشود تنها بحران‌های زیست محیطی به بار خواهد آورد. تاثیرات منفی سدها بر محیط زیست به شیوه‌های فیزیکی، بیولوژیکی و اجتماعی به حدی زیاد است که کشورهای پیشرفته جهان از دهه ۷۰ میلادی تا کنون نه تنها پروژه‌های سدسازی خود را متوقف کرده بلکه سدهای ساخته شده را نیز تخریب می‌کنند تا از تاثیرات منفی این پروژه‌ها بر محیط زیست کم کنند و حیات دوباره را به آب‌های سطحی و زیرزمینی بدهند.

تنها طی ۱۳ سال گذشته، ایالات متحده آمریکا ۴۳۰ سد خود را تخریب کرده است. لازم به ذکر است که این امر پس از پی بردن به آسیب‌های سد سازی بر محیط زیست و فشار گروه‌های زیست محیطی در این کشور میسر شد. گفتنی‌است در نتیجه سد سازی‌ها بیش از ۸۰ درصد ماهی‌ها و حتی ماهی‌های کوچک‌رو در رودخانه‌ها از چرخه اکوسیستم ناپدید شدند. در سال ۲۰۰۰ کمیسیون مستقل جهانی که بر روی آسیب‌ها و زیان‌های سدسازی تحقیق می‌کند به این نتیجه رسید که سدها سبب مهاجرت ۴۰ تا ۸۰ میلیون نفر در جهان شده است که این خود منجر به ایجاد آسیب‌های اجتماعی، حاشیه‌نشینی و همچنین افسردگی می‌شود.

سوال این است چرا زمانی همه کشورها به آسیب‌های زیست محیطی سدها پی برده‌اند رژیم جمهوری اسلامی بر سد سازی تاکید دارد؟

سد سازی در ایران طی دو دهه گذشته افزایش چشمگیری داشته است. فعالان محیط زیستی و کارشناسان بر این باورند که بحران بی آبی در ایران، ناشی از سد سازی‌های بدون مطالعه و بی‌شمار در این کشور است. در عین حال سران رژیم حاکم بر ایران و منفعت طلبانی که خود را کارشناس معرفی می‌کنند این نظریه‌ها را رد می‌کنند.

اگرچه کمیسیون جهانی سد (WCD) به عواملی همچون انتخاب هر رودخانه‌ای برای سد سازی، اهمیت ندادن به شدت جریان آب، اهمیت ندادن به تنوع‌های زیست محیطی، از میان بردن زنجیره پیوسته خوراکی آبزیان

و حیوانات اطراف رودخانه‌ها، سیاست و محاسبات اقتصادی اشتباه، سومدیریت و عدم مسئولیت پذیری در برابر خطرات و تاثیرات آن و سد سازی بی رویه، به عنوان اشتباهات در رابطه با سد سازی اشاره کرده است اما رژیم حاکم بر ایران این اشتباهات را به صورت مداوم تکرار می‌کند.

ناپذیری در پی خواهد داشت. سیلاب‌های مخرب در استان‌های «لرستان، کرمانشاه و ایلام» که در سال‌های اخیر شدت یافته، نمونه‌ای از سومدیریت‌های یادشده می‌باشد. لازم به ذکر است که افزایش سد سازی در این مناطق منجر به افزایش دما، کاهش بارش برف و افزایش بارش باران‌های سیل

تغییر بافت جمعیتی زاگرس است که از سیاست‌های رژیم در سطح منطقه (بغداد تا کابل) به حساب می‌آید. مردم زاگروس به خصوص استان‌های پر آب «لرستان، کرمانشاه، چهارمحال و ایلام» باید از بهره اقتصادی کوتاه مدت کارگری در پروژه‌های سد سازی

میان مردم زاگروس در تمام سطوح سیستماتیک و برنامه ریزی شده بوده زیرا رژیم ایران احتمال داده که در صورت شکست طرح اصلی، مردم شهرهای مرکزی بتوانند از ضعف اقتصادی مردم زاگروس سواستفاده کرده و زمین و خانه‌هایشان را خریداری نموده و در زاگرس ساکن شوند. مردم باید

زاگروسی رژیم ایران است، پس مردم در حفظ اتحاد و ترویج فرهنگ و زبان مادری خود تلاش کنند و با حفاظت از محیط زیست و کاشت درخت این میراث را به نسل‌های بعد و آینده تقدیم کنند. برای جلوگیری از سردرگمی در زمینه مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، ایجاد اتحاد میان تمام

گفتنی‌است در نتیجه سدسازی‌ها بیش از ۸۰ درصد ماهی‌ها و حتی ماهی‌های کوچک‌رو در رودخانه‌ها از چرخه اکوسیستم ناپدید شدند. در سال ۲۰۰۰ کمیسیون مستقل جهانی که بر روی آسیب‌ها و زیان‌های سدسازی تحقیق می‌کند به این نتیجه رسید که سدها سبب مهاجرت ۴۰ تا ۸۰ میلیون نفر در جهان شده است که این خود منجر به ایجاد آسیب‌های اجتماعی، حاشیه‌نشینی و همچنین افسردگی می‌شود.

در ایران سالانه پنج میلیارد متر مکعب آب پشت سدها به بخار تبدیل می‌شود که موجب افزایش دما شده که در نتیجه آن، با ایجاد گرما، بارش برف بشدت کاهش یافته و در نتیجه سفره‌های زیر زمینی نه تنها پر نشده بلکه کاهش می‌یابد. وقتی بارش برف به دلیل گرمای

آسا و مخرب شده است. از جمله دلایل افزایش سد سازی در زاگروس توسط رژیم حاکم بر ایران، می‌توان به بن‌بست رسیدن مسئله تامین آب مناطق مرکزی ایران (فارسستان «کرمان، یزد، شیراز، اصفهان، سمنان، اراک و...») اشاره کرد. رژیم ایران تماما به فکر آن مناطق و مردم

چشم‌پوشی کرده و به آینده این آب و خاک بیاندیشند. نقش فعالان زیست محیطی در این مرحله می‌تواند نقش رهبری در جلوگیری از احداث سد و آشناسازی مردم با عواملی که رژیم ایران در قالب پروژه‌های عمرانی در حال اجرای آن است و به آسیب‌های زیست محیطی منجر می‌شود باشد.

از فروش زمین و خانه‌هایشان به غیر بومی‌ها (غیر زاگروسی‌ها) خودداری کرده زیرا طرح جایگزین رژیم حاکم بر ایران مبنی بر کوچ مردم شهرهای مرکزی ایران به زاگروس کاملاً جدی و سیاسی بوده و هدف آن بر هم زدن و تغییر بافت جمعیتی زاگرس «کوچ مردم دیگر به زاگروس و فارس‌یزه کردن

مردم زاگروس، حفظ زبان مادری و ترویج و انتقال صحیح آن به نسل بعد از خود، حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از احداث پروژه‌های سدسازی، انتقال آب و برق و نفت و گاز و تونل و راه‌سازی‌هایی که منجر به نابودی زیست بوم زاگرس می‌شوند اصلی‌ترین و مهمترین گام به شمار می‌رود.

فعالیت‌های فعالان فرهنگی مبنی بر حفظ فرهنگ و زبان مادری و ترویج آن در واقع یک نوع مبارزه علیه این سیاست ضد زاگروسی رژیم ایران است، پس مردم در حفظ اتحاد و ترویج فرهنگ و زبان مادری خود تلاش کنند و با حفاظت از محیط زیست و کاشت درخت این میراث را به نسل‌های بعد و آینده تقدیم کنند.

حاصله از بخار آب پشت سدها به باران تبدیل می‌شود نه تنها جذب زمین شده و به سفره‌های زیر زمینی نمی‌رسد، بلکه با در نظر گرفتن سومدیریت رژیم حاکم در حفظ و نگهداری جنگل‌های زاگروس، سریعاً به سیلاب تبدیل شده و خسارت‌های جانی و مالی و زیست محیطی فراوان و جبران

فارس بوده به طوری که حاضر شده زاگرس را بخشکند تا آنان را سیراب و چرخ کارخانه‌هایشان را بچرخاند و شهرهایشان آبادتر شوند. یکی دیگر از دلایلی که رژیم ایران بر سد سازی در زاگروس تاکید دارد وادار ساختن مردمان زاگروس به مهاجرت یا کوچ نرم آنان به شهرهای مرکزی ایران و

مردم زاگروس باید آگاه باشند زیرا نقشه اصلی رژیم ایران یا همان پروژه‌های انتقال آب زاگروس به مرکز ایران به بن‌بست رسیده و رژیم ایران در حال پیاده کردن طرح جایگزین یعنی کوچ مردم شهرهای مرکزی ایران به زاگروس است، در این مرحله مردم باید به یاد داشته باشند که وجود فقر در

مردم این منطقه است. یکی از هولناکترین نقشه‌های رژیم حاکم بر ایران اجرای طرح آسمیلاسیون یا پاکسازی فرهنگی، زبانی و در نهایت نژادی تمام زاگرس است. فعالیت‌های فعالان فرهنگی مبنی بر حفظ فرهنگ و زبان مادری و ترویج آن در واقع یک نوع مبارزه علیه این سیاست ضد

در پایان، این نکته را باید خاطر نشان شد که با ایجاد اتحاد مردمان زاگرس، در حقیقت فکر و ایدئولوژی ضد زاگروسی رژیم ایران نشانه گرفته خواهد شد، پس باید در ایجاد اتحاد با دیگر مردمان زاگروس، حفظ یکپارچگی فرهنگی و زیست محیطی زاگرس کوشید.

گیسو چند؟!!



کوردستان

حتما داستان معروف «بینوایان» ویکتور هوگو را شنیده‌اید؛ داستانی که با فقر آمیخته شده؛ در قسمتی از داستان مادر برای تهیه لباس دخترش «کوزت» حتی موهایش را هم می‌فروشد، داستان مردی که به دلیل فقر مجبور به دزدی و زنی را مجبور به فروش گیسوان خود می‌کند. امروز نیز داستان واقعی شهروندانی است در جغرافیای ایران که برای گذران زندگی سخت خود مجبور به فروش موهای خود هستند،

فیلم نیست. خرید و فروش گیسو آنچه امروز در زیر پوست شهر رخ می‌دهد و در حال فزونی است؛ تجارتی زنانه و زیر زمینی محسوب می‌شود. زنان و دختران که زیبایی پنهان شده خود را زیر شال و روسری به بازار آورده اند برای فروش، اما با شک، تردید و دودلی؛ عده ای زیباییشان را می‌فروشند وعده ای زیبایی را می‌خرند. یک پای قضیه می‌لنگد. عدالت حلقه مفقود شده میان و فقیر و غنی است! فقر تا زیر روسری بانوان ایرانی هم رخنه کرده است. فقر در ایران هر روز ابعاد جدیدتری پیدا می‌کند؛ یک روز گورخوابی،

روز دیگر ازدواج دختران جوان با مردان مسن و حالا هم فروختن مو برای تهیه یکی دو وعده غذا برای زنده ماندن؛ برخی می‌پرسند آیا زندگی در این شرایط ارزشش را دارد؟ جمهوری اسلامی ایران ۴۰ سال فرصت داشته است تا کاستی‌ها و کمبودها را جبران کند؛ اما نه فقط این اتفاق نیفتاد، بلکه میلیاردها دلار از ثروت‌های کشور خرج ترویج خشونت و ترور در منطقه شد. در حالی که مردم هر روز در فقر و نداری روزگار می‌گذرانند، عیاشی و خوش‌گذرانی زورگویان و خانواده‌های آنها در داخل و خارج به قوت خود ادامه دارد و

کسی هم جرأت اعتراض به این شرایط را در خود نمی‌بیند. شکاف طبقاتی به بیشترین میزان خود طی ۴۰ سال گذشته رسیده و فقر در ایران هر روز ابعاد جدیدتری پیدا می‌کند؛ یک روز گورخوابی، روز دیگر ازدواج دختران جوان با مردان مسن و حالا هم فروختن مو برای تهیه یکی دو وعده غذا برای زنده ماندن. برخی می‌پرسند آیا زندگی در این شرایط ارزشش را دارد؟ ظواهر عینی جامعه ایران و حال و روز ناخوش اکثریت جمعیت کشور گواهی بر شکست سیاست‌های اقتصادی حکومت ایران در تمام جنبه‌ها است. کارشناسان

اقتصادی پیش‌بینی کرده‌اند که در صورت ادامه روند فعلی که تحریم‌ها دست‌به‌دست فساد گسترده داده است، شرایط بدتر هم خواهد شد. گیسوانی که به دلیل فقر فروخته می‌شوند؛ گاهی صادر می‌شوند و دسته ای از گیسوان برای زیبایی زنان در آرایشگاه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. اکستنشن مو یکی از روش‌های زیبایی در بین زنان ایرانی در چند سال اخیر محسوب می‌شود. روشی که از طریق آن هم پول خوبی به جیب آرایشگاه‌ها و هم به جیب فروشندگان مو می‌ریزد و بازار خرید و فروش مو را حسابی داغ،

داغ و داغ تر کرده است. باید این حقیقت تلخ و زننده را بپذیریم، امروز سفره های مردم کوچک و کوچکتر از قبل شده است؛ تا جایی که زنان و مردان ایرانی را یادآور داستان های دردناک تاریخ کرده است، گیس و کلیه و فرزند فروشی تا چه زمانی تاریخ باید شرمسارعدالت گم شده زمان خود باشد؟!

منابع:

۱. وبسایت مردم سالاری آنلاین
۲. وبسایت بیان میدیا
۳. کارتون‌ها از احمد بارکی‌زاده

ادریس عبدی:

جشنواره فیلم سلیمانیه از جمهوری اسلامی ایران
معذرت خواهی نکرد

مصاحبه:

جمال رسول‌دنگه

ادریس عبدی از فیلمسازان و سینماکاران توانمند کوردستان است. وی در کوردستان ایران چشم به جهان گشوده است. وی علاوه بر فعالیت در حوزه سینما در سیاست نیز تلاش می‌کند و عضو کمیته مرکزی کومه‌له کوردستان ایران است. ایشان در آخرین جشنواره فیلم سلیمانیه یکی از برندگان این جشنواره بود. روزنامه کوردستان انتشارات رسمی حزب دمکرات کوردستان ایران در رابطه مصاحبه‌ای را ترتیب داده است.

۱. مختصری از زندگینامه‌ی خود را برای خوانندگان ما بازگو نمایید؟

ادریس عبدی هشتم متولد ۱۳۶۳. در شهر مریوان به دنیا امدم و در رشته تدوین فیلم تحصیلات دانشگاهی دارم. سال ۲۰۱۰ به دلیل فعالیتهای سیاسی و دانشجویی ناچار کوردستان ایران را ترک کردم و در حزب کومه‌له کوردستان ایران به عنوان پیشمرگه فعالیتهای سیاسی را ادامه دادم. چند سالی در تلویزیون روزه‌لات کار کردم و هم اکنون عضو کمیته مرکزی حزب کومه‌له کوردستان ایران هستم. در سه سال اخیر برای بیش از ۴۰ فیلم کوتاه و یک فیلم سینمایی و یک سریال تلویزیونی کار صدا برداری و صدا گذاری انجام داده‌ام، و دو فیلم کوتاه را نیز کارگردانی کرده‌ام. آخرین ساخته من به صورت مشترک با همکارم فیلم کوتاه مستند آزمایشگاه شماره ۲ را تولید کردیم.

۲. در مورد فیلم مستند آزمایشگاه شماره ۲ برای ما شرح دهید؟

آزمایشگاه شماره ۲ فیلم مستند کوتاهی است درباره زندگی و کار کاک محمد توفیق که مدت ۱۴ سال در بخش کالبدشکافی دانشگاه علوم پزشکی سلیمانی کار می‌کند. در مت این ۱۴ سال کاک محمد توفیق با جناره ای کار می‌کند و هر روز این جناره را برای دانشجویها و اساتید دانشگاه اماده می‌کند. تا روزی کاک محمد توفیق بازنشته می‌شود. بعد از مدتی دوباره کاک محمد توفیق رو به سرکار بازمی‌گردان چون کسی نمی‌تواند کار ایشان را انجام بدهد. کاک محمد توفیق در نهایت وصیت می‌کند.

در هنگام مرگ جناره اش را به دانشگاه سلیمانیه جهت آموزش اهدا کند. ما در این فیلم سعی کرده ایم که به حقیقت و واقعیت شخصیت کاک محمد توفیق و داستان پایبند باشیم، اما به لحاظ فرمی ما سعی کرده ایم دیدگاه و زاویه دید خود در فیلم نشان دهیم. فرم فیلم در سبک رئالیسم شاعرانه است و با استفاده از میزانشن و نور پردازی و موزیک فضای متفاوت تری برای بیننده فراهم کنیم. ف یلم ما به شدت مینی مالیسمی است و با به کارگیری تمهید کاستن و کم کردن سعی کردیم که فضای معنایی و احساسی را فراهم کنیم که با محتوای فیلم هارمونی داشته باشد.

۳. این مستند در چندین کشور دیگر نیز اکران شده است و به عنوان فیلمی موفق انتخاب شده است چرا؟

مستند آزمایشگاه شماره ۲ در جشنواره البوابه در کشور الجزایر جایزه دوم و در جشنواره سیلبرتی ایتالیا جایزه بهترین فیلم مستند و در پنجمین جشنواره بین المللی سلیمانیه جایزه بهترین فیلم مستند کردی را به دست آورده . در جشنواره فیلم انجلیکای آمریکا در چند روز قبل نمایش داده شد و در ماه فیبریه ی امسال در جشنواره فیلم BIG Sky که کوالیفای جایزه اسکار است نمایش داده می‌شود.

۴. در مورد تلویزیون و سینما در کوردستان برای ما بگویید؟

اگر بیاییم رسانه‌ها را در ایران تقسیم بندی بکنیم بتوانیم بر اساس نوع سیاست آن را دسته بندی کنیم. دو نوع سیاست وجود دارد اگر بیاییم بر بستری سیاسی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی آن را بررسی کنیم یکی سیاست دولتی هست و دیگری سیاست انقلابی. در چهارچوب سیاست دولتی رسانه‌ها، ارگان‌ها و حتی فیلمسازان و هنرمندانی هستند که در این چهارچوب دارند فعالیت می‌کنند و کارشان حفظ موجودیت این سیستم یا طوری دیگر همان سیستم دولتی است. ما چیزی را به عنوان رسانه‌های آزاد در داخل ایران نمی‌توانیم مشاهده کنیم و این حتی بحث را حتی می‌توان به فیلمسازان دیگر مانند ابراهیم حاتمی کیا، مانند مجید مجیدی یا اصغر فرهادی که در چهارچوب سیاست دولتی کار می‌کنند.

سیاست دیگر سیاست انقلابی می‌باشد کار آن گفتن همه آن چیزهایی است که از دید سیستم دولتی یا حاکمیت نباید گفته شود. برای نمونه احزاب اپوزیسیون کورده همه رسانه‌هایی را در اختیار دارند از تلویزیون، سایت مجلات و روزنامه‌ها گرفته که در چهارچوب سیاست انقلابی کار می‌کنند. در

حوزه سینما نیز کسانی مانند رسول اف و جعفر پناهی فعالیت دارند. در کوردستان نیز کسانی مانند شهرام حمیدی، بهمن قبادی و یا فیلمسازان دیگر در حوزه فیلم کوتاه دارند کار می‌کنند. در این خصوص می‌توان گفت در ایران به علت دید ایدئولوژی به رسانه و هنر هنرمندان مستقل با مشکلات جدی روبرو هستند. فیلمسازی یک پروسه است اما در کوردستان این مسئله بسیار سخت تر است و بسیاری از این هنرمندان زندانی شده‌اند یا با احکام سنگین مواجه شده‌اند که مجبور به فعالیت در خارج از کشور شده‌اند.

در این زمینه بسیاری از موارد بسیاری از فیلمسازان کورد و غیره کورد بخاطر سانسور یا حتی زندانی و بازداشت تهدید به احکام ناچار شده‌اند به کشورهای دیگر پناهنده شوند.

۵. بعضی از منتقدان فرهنگ در سینما بر این باورند رژیم ایران از طریق برگزاری این چنین جشنواره‌هایی در اقلیم کوردستان سیاست فرهنگی خود را پیش می‌برد و در صدد تحقیر فرهنگ کورد است، نظر شما به عنوان یک سینماکار چیست؟

در مورد سیاست‌های تداخل گرایانه جمهوری اسلامی ایران تنها به لحاظ نظامی و امنیتی در کشورهای همسایه خود دخالت نمی‌کند و در عرصه فرهنگی و در راستای سیاست های دخالت گرایانه و گسترش و تبلیغ و ترویج مذهب شیعه در کشورهای همسایه دخالت هایی را انجام می‌دهد. در هرکدام از کنسولگری های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای منطقه از جمله کوردستان عراق یک بخش را به عنوان بخش فرهنگی باز کرده که از طریق این بخش می‌خواهد دخالت های فرهنگی را در کوردستان عراق انجام بدهد. در دوره‌های قبل جشنواره فیلم سلیمانیه نیز ما علنا این دخالت ها و این نفوذ جمهوری اسلامی ایران را ایران مشاهده کردیم، ولی خوشبختانه در دوره پنجم این جشنواره این نفوذ جمهوری اسلامی ایران و این دخالت هایی را که در دوره‌های قبل انجام می‌داد تماما کنار گذاشته شد و خوشبختانه جشنواره دست کسانی افتاد که از این سیاست و استراتژی جمهوری اسلامی ایران آگاه بودند و مانع شدند در دوره پنجم این دخالت‌ها ادامه پیدا کند.

در روز افتتاحیه پنجمین جشنواره فیلم سلیمانیه ما مشاهده کردیم جایزهای را به محمد رسول اف اهدا کردند. که ایشان از فیلمسازان معترض حاکمیت جمهوری اسلامی ایران است که در ایران نتوانسته است فعالیت هایی انجام دهد و چند فیلم بلند ساخته است؛

چند سالی را در زندان بوده است و چندین بار در مقاطع مختلف از اعتراضات مردم ایران و کوردستان نسبت به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به زندان افتاده است. ایشان قرار بود در این جشنواره یکی از رئیس هیات داوران باشد ولی بخاطر ممنوع الخروج بودن از ایران نتوانست که در جشنواره حضور پیدا کند. به همین خاطر جشنواره فیلم سلیمانیه که هر ساله و هر دوره این جایزه افتخاری را به یکی از شخصیت های سیاسی و فرهنگی یا هنری اهدا کند امسال این جایزه را به وی اهدا شد. این خود واکنش هایی را از سوی جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشت. کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در اربیل طی نامه‌ای به حکومت اقلیم کوردستان رسماً خواستار این شده بودند که جشنواره فیلم سلیمانیه باید از جمهوری اسلامی ایران معذرت خواهی کند و خوشبختانه جشنواره فیلم سلیمانیه این کار را انجام نداد. به هر حال این دخالت‌ها که در دوره‌های قبل به وضوح دیده می‌شد ولی در دوره پنجم تماما از نفوذ و دخالت جمهوری اسلامی ایران و کنسولگری آن در کارهای جشنواره و انتخاب فیلم‌ها ممانعت بعمل آمد و برگزارکنندگان مانع از این کار شدند.

۶. برای آینده در حوزه سینما چه برنامه‌هایی دارید؟

هم اکنون در مرحله پیش تولید اولین فیلم بلند خود هستم و امیدوارم در ماههای آینده بتوانیم که مرحله تولید فیلم را شروع کنیم.

۷. نظر شما در مورد سینما چیست؟

در عصر جدید بخاطر اینکه سینما را با علوم دیگر به خصوص علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی، سیاست، فلسفه توانستند متفکران خواش های جدید و بینا رشته‌ای با سینما داشته باشند به همین خاطر مهم است یک مدیوم قدرتمندی در جامعه است به خصوص برای ما کوردها که در طول تاریخ نتوانسته‌ایم حاکمیتی مستقلی را برای خود درست کنیم و بهر حال کوردستان در کشورهای عراق، ترکیه، سوریه و ایران قرار گرفته است ملت بالا دست سعی داشته از طریق سینما هژمونی خود را بر کورد اعمال کند. به خصوص ما در ایران می‌بینم در فیلم‌های به گفته خودشان دفاع مقدس که تولید شده سیمای کوردها را چگونه نشان دهند سعی کرده‌اند و از طریق سینما آمده‌اند و در مورد کوردها فیلم



درست کنند و کورد را مطابق میل جمهوری اسلامی ایران نشان دهند و ابزاری باشد برای پروپاگاندا و تبلیغات به سود حاکمیت جمهوری اسلامی ایران. سینما چون با رشته‌های دیگر به صورت بینا رشته‌ای تحلیل و تفسیر می‌شود و در عرصه ایجاد معانی و اندیشه می‌تواند کارکرد خیلی مفیدی داشته باشد. امیدوارم در کوردستان فیلمسازان بتوانند در این عرصه به کارهای خود ادامه دهند. اگر در طول تاریخ نگاهی به تاریخ سینما داشته باشیم بعد از انقلاب اکتبر در شوروی وقتی سینما به عنوان یک هنر ملی و یک صنعت ملی معرفی شد و در این راستا فیلم هایی زیادی تولید شد و باعث شد سبک های سینمایی مثلا فورمالیستی خلق بشود و اکنون نیز فیلمسازان در کشورهای دیگر از آن تاثیر گرفته‌اند و در سال‌های اخیر کشورهای دیگر مانند آمریکا از طریق سینمای هالیود و هند سینمای بالیود، اروپای شرقی کشورهایی مانند لهستان و حالا در آسیای شرقی کره جنوبی، ژاپن و چین تمام سرمایه‌های خود را بر روی سینما انجام داده‌اند و استراتژی‌های فرهنگی مدون شده‌ای را در این راستا اعمال کنند که بتواند و حتی بتوانند بر کشورهای دیگر تاثیر بگذارند.

نمایی از پایمال کردن حقوق بشر در کوردستان ایران در نیمه اول دی‌ماه با استناد به آژانس خبرسانی کردستان، (کردپا)

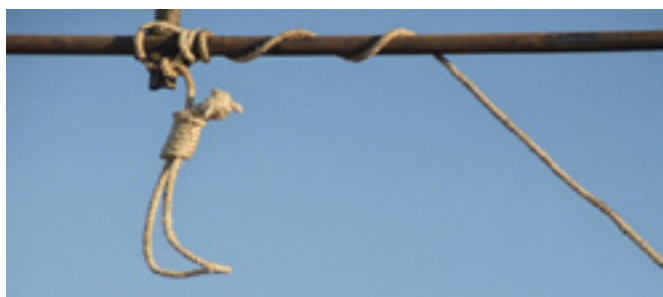
انفجار مین



روز یکشنبه پنجم دی‌ماه، یک شهروند کرد به نام «ابراهیم عبدالهی» اهل سقر ساکن پنجوین کردستان عراق بر اثر انفجار مین جان خود را از دست داد.

روز یکشنبه پنجم دی‌ماه، انفجار مین ضد نفر باعث جان باختن یک کودک ۱۰ ساله در شهرستان دهلران از توابع ایلام شد.

اعدام و محکوم کردن شهروندان به اعدام



خبرگزاری هرانا از اعدام چهار زندانی متهم به «قتل» در زندان مرکزی ارومیه خبر داد.

این خبرگزاری هویت این چهار زندانی را «حسین عباس‌زاده، حمدالله عالمی، فیض الله قربانی و مقدم علی زاده» اعلام کرد که پیشتر به اتهام «قتل» از سوی دستگاه قضایی به اعدام محکوم شده بودند. سازمان حقوق بشر ایران از تأیید حکم قصاص یک زندانی به نام «اکبر عباس‌پورمراغه» که در زندان سنندج به سر می‌برد، در دیوان عالی کشور خبر داد.

کشته و مجروح شدن کولبران و کاسبکاران



شامگاه روز یکشنبه دوازدهم دی‌ماه، یک کولبر کرد به نام «عمر یعقوبی» اهل روستای «کلاش باغان» از توابع شهرستان جوانرود در پی شلیک مستقیم نظامیان حکومتی در مرز نوسود زخمی شد. شامگاه روز یکشنبه دوازدهم دی‌ماه، یک کولبر کرد به نام «صلاح شاهمرادی» اهل روستای «زیران» از توابع شهرستان جوانرود بر اثر شلیک نظامیان حکومتی در مرز نوسود زخمی شد.

محکوم کردن

شهروندان به حبس



یک شهروند کرد به نام «حسین الوند کوهی» ۲۹ ساله فرزند عزیز ساکن مه‌پاد از سوی شعبه سوم دادگاه کیفری این شهرستان به ریاست قاضی «غلام کریم‌خانی» به ۱۰ سال و یک روز حبس تعزیری محکوم شد. شعبه ۳ دادگاه کیفری شهرستان مه‌پاد به ریاست قاضی «غلام کریم‌خانی»، شیرکو آگوشی، زندانی سیاسی پیشین اهل پیرانشهر را به ده سال و یک روز حبس تعزیری محکوم کرد.

نامعلوم بودن سرنوشت شهروندان

علیرغم گذشت نزدیک به دو ماه از زمان بازداشت کیوان مینویی، فعال مدنی و مدرس زبان کردی اهل روستای «نی» از توابع مریوان، وی همچنان در بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج در بازداشت به سر می‌برد. علیرغم گذشت نزدیک به سه هفته از زمان بازداشت یک فعال مدنی کرد به نام «فرهنگ عیوضی» ۳۰ ساله فرزند محمدعلی اهل روستای «تنگیسر» از توابع سنندج، از سرنوشت و محل نگهداری وی اطلاعی در دسترس نیست.

علیرغم گذشت بیش از دو هفته از زمان بازداشت یک فعال مدنی کرد به نام «کژال نصری» ۲۶ ساله فرزند محمد اهل روستای «تنگیسر» از توابع سنندج، از سرنوشت وی اطلاعی در دسترس نیست.

خودکشی زنان و مردان



روز جمعه دهم دی‌ماه، یک شهروند زن به نام «الناز کلشی» اهل ارومیه اقدام به خودسوزی کرد.

روز پنج‌شنبه نهم دی‌ماه، یک دختر ۱۸ ساله به نام «کاژین فتاحی» فرزند شهاب اهل شهرک «راژان» از توابع ارومیه اقدام به خودسوزی کرد و به زندگی خود پایان داد.

روز چهارشنبه هشتم دی‌ماه، یک نوجوان به نام «نیما خسروی» فرزند ناصر اهل سقر با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داد.

روز پنج‌شنبه دوم دی‌ماه، یک شهروند به نام «گلایر ازدی» فرزند علی اهل روستای «دربکه» از توابع پیرانشهر با اقدام به خودکشی به زندگی خود پایان داد.

روز یکشنبه پنجم دی‌ماه، یک زن جوان به نام «زهرا صابری» فرزند سلطان اهل روستای «قونی» از توابع منطقه صومای برادوست ارومیه با اقدام به خودسوزی به زندگی خود پایان داد.

بازداشت شهروندان



روز سه‌شنبه چهاردهم دی‌ماه، سه شهروند کرد به نام‌های «احمد مولودی» فرزند مطلب اهل روستای «یونسلیان» و «حسین خلیانی» فرزند خسرو اهل روستای «کوئیک»، «چکو قلندری» فرزند حسین اهل روستای «کوئیک» از توابع شهرستان نقده از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

طی روزهای اخیر، یک شهروند کرد به نام «پیمان احمدی» فرزند انور اهل شهرستان پاوه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

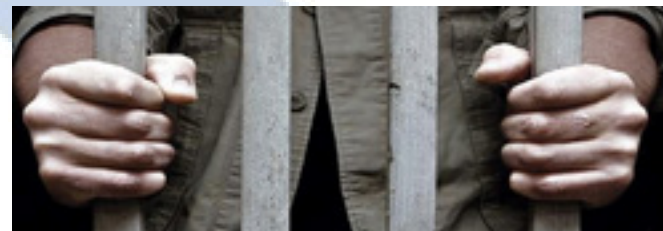
قرار بازداشت موقت یک شهروند کرد به نام «سیامک آرنک» ۲۶ ساله فرزند یدالله اهل روستای «نیهر» از توابع سنندج برای دومین بار متوالی تمدید شد.

روز دوشنبه ششم دی‌ماه، یک شهروند کرد به نام «کیانوش رحمانی» فرزند میرزا رحمانی اهل روستای «لون سادات» از توابع شهرستان کامیاران از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

روز سه‌شنبه سی‌ام آذرماه، یک شهروند کرد به نام «کریم پورمحمد» فرزند علی اهل پیرانشهر از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده است.

شامگاه روز سه‌شنبه سی‌ام آذرماه، یک زوج جوان به نام‌های «پوریا جوادی» و «مریم حق‌گو» اهل بخش کارزان از توابع شهرستان سیروان در استان ایلام از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده‌اند. روز یکشنبه بیست و هشتم آذرماه، دو شهروند کرد به نام‌های «سرهنگ علیزاده» فرزند رضا و «فرزین عبدالله‌زاده» فرزند خالد اهل روستای «کوئیک» از توابع شهرستان نقده از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

انتقال شهروندان به زندان



روز سه‌شنبه هفتم دی‌ماه، یک هنرمند کرد به نام «خالد کریم‌نیا» معروف به «خالد نارین» اهل سقر جهت اجرای حکم حبس به زندان این شهرستان منتقل شد.

دو شهروند کرد به نام‌های «ماموستا محمدمیرزا رحمانی» و «برهان کمانگر» اهل شهرستان کامیاران پس از بازداشت جهت بازجویی به بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج منتقل شدند.

یک شهروند کرد به نام «سیروان قربانی» اهل شهرستان کامیاران پس از بازداشت جهت بازجویی به بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج منتقل شد.

روز پنج‌شنبه دوم دی‌ماه، دو شهروند کرد به نام‌های «سیروان قربانی» و «برهان کمانگر» اهل شهرستان کامیاران از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند.

تمدید قرار بازداشت

قرار بازداشت موقت چهار شهروند کرد به نام‌های «آرش منبری» فرزند حسین، «زانیار منبری»، فرزند امان‌الله، «سیوان منبری» فرزند حشمت و «میلاد منبری» فرزند محمد اهل روستای «نیهر» از توابع سنندج برای دومین بار متوالی تمدید شد.

قرار بازداشت موقت یک شهروند کرد به نام «سیامک آرنک» ۲۶ ساله فرزند یدالله اهل روستای «نیهر» از توابع سنندج برای دومین بار متوالی تمدید شد.